

سدره المنتهی چیست ؟

عند سدره المنتهی عندها جنه الماوی اذ یغشی السدره ما یغشی

کلمه (سدر) به معنای جنس درخت سدر، و کلمه سدره به معنای یک درخت سدر است، و کلمه (منتهی) - گویا - نام مکانی است، و شاید مراد از آن، منتهای آسمان ها باشد به دلیل این که می فرماید: جنت ماوی پهلوی آن است، و ما می دانیم که جنت ماوی در آسمان ها است، چون در آیه فرموده: (و فی السماء رزقکم و ما تعدون).

و اما این که این درخت سدره چه درختی است؟ در کلام خدای تعالی چیزی که تفسیرش کرده باشد نیافتیم، و مثل این که بنای خدای تعالی در اینجا بر این است که به طور مبهم و با اشاره سخن بگوید، مؤید این جمله (اذ یغشی السدره ما یغشی) است، که در آن سخن از مستوری رفته است، در روایات هم تفسیر شده به درختی که فوق آسمان هفتم قرار دارد، و اعمال بندگان خدا تا آنجا بالا می رود، که بزودی بعضی از این روایات از نظر خواننده خواهد گذشت.

(عندها جنه الماوی) - یعنی بهشتی که مؤمنین برای همیشه در آن منزل می کنند، چون بهشت دیگری هست موقت، و آن بهشت برزخ مدتش تا روز قیامت تمام می شود، و جنت ماوی بعد از قیامت است. همچنان فرموده: (فلهم جنات الماوی نزلا بما کانوا یعملون)، و نیز فرموده: (فاذا جاءت الطامه الکبری ... فان الجنة هی الماوی)، و این جنت الماوی به طوری که آیه ۲۲ سوره ذاریات دلالت می کرد، در آسمان واقع است. ولی بعضی از مفسرین آن را به جنت برزخی تفسیر کرده اند.

و در جمله (اذ یغشی السدره ما یغشی) مصدر غشیان به معنای احاطه است، و کلمه (ما) در این آیه موصوله است.

و معنای آیه این است که: آن زمان که احاطه می یابد به سدره، آنچه احاطه می یابد. در اینجا هم خدای تعالی مطلب را مبهم گذاشته فرموده چه چیز به سدره احاطه می یابد، چون گفتیم بنای خدای تعالی بر ابهام است.

معنای (ما زاع البصر و ما طغی)

ما زاع البصر و ما طغی

کلمه (زیغ) که مصدر فعل (زاع) است به معنای انحراف از حالت تعادل و استقامت است، و کلمه طغیان که مصدر فعل (طغی) است، در هر عملی معنای تجاوز از حد در آن عمل است، و (زیغ بصر) به معنا است چشم آدمی چیزی را به آن صورت که هست نبیند، و طوری دیگر ببیند، و (طغیان بصر) به این معنا است که چیزی را ببیند که حقیقت ندارد، و منظور از (بصر) چشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

و معنای آیه این است که: چشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آنچه را که دید بر غیر صفت حقیقیش ندید، و چیزی را هم که حقیقت ندارد ندید، بلکه هر چه دید درست دید، و مراد از این دیدن رویت قلبی است نه رویت با دیده سر، چون می دانیم منظور از این دیدن همان حقیقتی که در آیه (و لقد راه نزله اخری) منظور است، چون صریحا می فرماید: رؤیت در این نزله که نزله دومی است مثل رؤیت در نزله اولی بود، و رؤیت نزله اولی رؤیت با فواد بود، که درباره اش فرمود: (ما کذب الفواد ما رای افتمارونه علی ما یری) - دقت بفرمایید و غفلت نورزید.

لقد رای من آیات ربه الکبری

کلمه (من) تبعیض را می رساند، و معنای آیه این است که: سوگند می خورم او بعضی از آیات پروردگارش را دید،

و با دیدن آنها مشاهده پروردگارش برایش تمام شد. چون مشاهده خدا قلب با مشاهده آیات او دست می دهد، زیرا آیت بدان جهت که آیت به جز صاحب آیت را حکایت نمی کند، و از خودش هیچ حکایتی ندارد، و گرنه از جهت خودش اگر حکایت کند دیگر آیت نمی شود.

و اما دیدن ذات متعالیه حق بدون حجاب، یعنی بدون وساطت آیت، امری است محال، همچنان که خودش فرمود: (و لا یحیطون به علما).